

■ حضرت امیر المؤمنین علی:  
کسی که با روزگار دشمنی کند هلاک می‌شود.

■ آذان ظهر: ۱۱:۴۹ ■ غروب آفتاب: ۱۶:۵۹  
■ آذان مغرب: ۱۷:۱۸ ■ نیمه شب شرعی: ۲۳:۰۶  
■ آذان صبح فردا: ۵:۱۲ ■ طلوع آفتاب فردا: ۶:۳۹

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری  
■ مدیر مسئول: عبدال... گنجی  
■ سردبیر: دانیال معمار

■ پدیرش آگهی:  
■ تلفن: ۸۴۳۲۱۰۰۰

■ توزیع و اشتراک:  
موسسه نشر گستر امروز تون  
■ تلفن: ۶۱۹۲۳۰۰۰

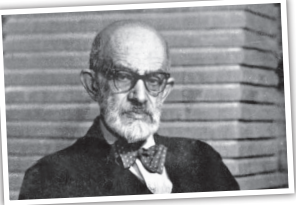
■ چاپ: همشهری  
■ تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال فرینی، شماره ۱۴  
■ کدپستی: ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ تهران، صندوق پستی ۱۹۶۹۵/۵۴۴۶  
■ تلفن: ۲۳۰۳۳۰۰۰، شماره: ۲۳۰۴۶۰۶۷

■ همشهری: www.hamshahrionline.ir  
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

تقویم / سالم‌رگ

### محقق خودساخته



فقط خودتان باید یک کار تحقیقی درست و حسابی کرده باشید (آن هم تحقیقی که منابع‌اش مثل منابع ادبیات یا تاریخ قدیم مابین کتابخانه‌ها و موزه‌های سراسر دنیا، از هند تا انگلستان بخش و پلاست) تا بفهمید ارزش کارهای این مرد چقدر است.

سعید نفیسی مرد پر کاری بوده. معروف است که او هر متنی را یک‌بار بیشتر نمی‌نویشت و با این حال غلط و یا اشتباه سهوی در آثارش خیلی نادر است. ۲۰ کتاب در تاریخ ایران، ۲۸ کتاب تحقیقی درباره ادبیات فارسی، تصحیح ۳۸ کتاب و متن ادبی، ترجمه ۴۸ کتاب و کتاب از فرانسه و روسی و کلی کتاب دیگر و تازه به همین مقدار، کتاب چاپ نشده دارد. نکته شگوار ماجرا اینجاست که می‌گویند نفیسی اصلاً استعداد چندانی نداشته و فقط با پشتکار، تمرین و ممارست توانسته این کارها را بکند و ذهنی داشته باشد که در زمان خودش دایره‌المعارف تاریخ و ادبیات ایران به حساب می‌آمده. سعید نفیسی اصالتاً کرمانی بود. پدران‌اش تا ۱۱ نسل قبل همگی پزشک بودند. خود نفیسی هم در تهران و پاریس دندانپزشکی خواند. نخستین کتابش را در ۲۴ سالگی نوشت با عنوان «معالجه تازه برای حفظ دهان و دندان» با اسم سعید بن ناظم‌الاطب. مدتی در وزارت فوائد عامه (وزارت بهداشت امروز) مشغول بود، ولی خیلی زود از آنجا بیرون آمد و باقی عمرش را به نوشتن کتاب و روزنامه‌نگاری گذراند. مدتی هم استاد دانشگاه تهران بود. سعید نفیسی زیاد می‌نوشت، با هر قیمتی و برای هر جایی. نوشته‌هایش الگوی ساده‌نویسی بودند. کتاب‌باز بود و تمام در آمدش را کتاب می‌خرید. تندخو بود و با دهخدا قهر بود. می‌گفت دهخدا طرح «غنتنامه» را از روی دست او برداشته و اگر کار دست او بود، خیلی زودتر از دهخدا تماشای می‌کرد. بسیاری از کتاب‌هایی که او همانطور تند و تند می‌نوشت، حالا منعی هستند منحصر به فرد که هنوز کسی توانسته چیز دیگری به آنها اضافه نکند.

## برای دکه‌های بی‌سیگار

که با رعایت قوانین مثل پرهیز از فروش نخ، فروش سیگار به افراد زیر ۱۸ سال و ممنوعیت فروش سیگار اطراف مراکز آموزشی، دخانیات عرضه کنند اما باید حتماً کار تخوان داشته باشند و مالیات هم بدهند. در صورتی که دکه‌های مطبوعاتی در طول یک سال (یعنی تا خرداد ۱۴۰۲) بتوانند این قانون را به درستی رعایت کنند و نهادهای نظارتی هم بر این موضوع صحه بگذارند، آن وقت پروانه فروش دخانیات این دکه‌ها صادر می‌شود. در غیر این صورت اجازه فروش محصولات دخانی را نخواهند داشت. قانون جدید گرفتن مالیات دخانیات هم می‌تواند منجر به کاهش مصرف دخانیات در کشور شود، چرا که دولت ایران به سازمان ملل متحد برای کاهش ۳۰ درصدی مصرف دخانیات در راستای سند بین‌المللی کاهش مرگ‌ومیر ناشی از بیماری‌های غیرواگیر تعهد داده است و این یعنی تا سال ۲۰۲۵ باید ۲۵ درصد مرگ‌ومیر ناشی از بیماری غیرواگیر را کاهش دهیم.

سهیم دخانیات هم در اِسن میان ۳۰ درصد است و مهم‌ترین ابزار برای دستیابی به این هدف، افزایش مالیات بر دخانیات است.

شاید عجیب به نظر برسد که دکه‌های مطبوعاتی، بر خلاف اسمشان سود چندانی از فروش روزنامه‌ها و مجلات ندارند و انطور که آمارها نشان می‌دهد، ۷۰ درصد سودشان از فروش سیگار است. البته فروش سیگار در دکه‌های مطبوعاتی غیرقانونی نیست، اما مشکل اصلی آنجاست که این تنباکوهای کاغذ پیچ شده به‌دست نوجوانان افتاده و سن مصرف دخانیات در کشور به حداقل ۱۳ سال رسیده است. چند سال پیش تر قانونی تصویب شد که دکه‌دارها و مراکز فروش دخانیات نباید به افرادی که زیر سن قانونی هستند، سیگار بفروشند. این قانون کم‌وبیش اجرا شد اما کم‌کم به‌دست فراموشی سپرده شد. باز هم نوجوانان به راحتی از این دکه‌ها سیگار می‌خرند و دود می‌کنند. به همین دلیل هم دوباره اسمال قانون منع فروش به افراد زیر سن قانونی مطرح شد و قرار است فروش دخانیات در دکه‌ها جدی‌تر گرفته شود. به گفته رئیس دبیر خانه ستاد کشوری کنترل دخانیات وزارت بهداشت، به دکه‌های مطبوعاتی یک سال مهلت داده شده

### خواب راحت بین ۲ قله



طبیعت گردها، به‌خصوص آنها که ماجراجوتر هستند، چیزهایی را تجربه می‌کنند که برای ما شبیه رؤیا و گاهی البته کابوس می‌مانند. تصویری که از نئو داریم، سواحل گرم و شن‌های نرم و آفتاب دل‌انگیز بین ۲ نخل است اما یک کوهنورد، با بستن یک نو بین ۲ قله کوه نزدیک به هم، کاری کرده که احتمالاً خیلی‌ها هرگز دیگر سراغ نئو نروند. ویدئوی خواب این کوهنورد در این نسوی هراس‌انگیز، حسایی در اینترنت سر و صدا به پا کرده است. آنهایی که ترس از ارتفاع دارند، نوشته‌اند که از دیدن فیلم این کوهنورد اسپانیایی متقلب شده‌اند. این مرد، این نئو را بین ۲ قله در منطقه پایرونیس در اسپانیا علم کرده است. این ماجراجو که فیلم این کار ترسناک را در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرده، در توضیح آن گفته که می‌خواسته این تجربه پرهیجان را با کاربران شبکه‌های اجتماعی به اشتراک بگذارد و به آنها انگیزه بدهد که برای ماجراجویی به دل طبیعت بروند.

### بستن بند کفش در ۱۰ ثانیه



بستن بند کفش، وقتی که کوچک‌تر بودیم، مهارت خاصی بود که فقط بزرگسالان بلد بودند. هزاران بار دیده‌ایم که بزرگترها بند کفش کوچکترها را می‌بندند. اما وقتی آدم بزرگ‌تر می‌شود، این کار مثل پوشیدن لباس است، یک کار کاملاً عادی و معمولی. اما برای بعضی، بستن بند کفش تا ابد یک مهارت باقی می‌ماند؛ یک مرد در اسپانیا، به‌خاطر مهارت و البته سرعت بالایش در بستن بند کفش، یک رکورد جهانی به نام خودش ثبت کرده است. آلوارو مارتین در یک مسابقه که زیرنظر گینس انجام شده، موفق شده بند ۳ جفت کفش را زیر ۱۰ ثانیه ببیندد و رکوردی جدید به نام خودش ثبت کند. این مرد جوان بند ۶ عدد کفش را، دقیقاً در ۹ ثانیه و ۹۹ صدم ثانیه بسته است. بستن بند ۳ جفت کفش، یکی از رقابت‌هایی است که زیرنظر گینس انجام می‌شود و مسابقات مفصلی دارد.

### دوختن دهان برای لاغری



بسیاری از آنها که در وزن کم کردن ناکام شده‌اند، لحظاتی در اوج خشم و ناامیدی به این فکر کرده‌اند که کاش می‌شد اصلاً برای مدتی، نتوانند غذا بخورند. این آرزوی خطرناک، برای یک خانم در آفریقای جنوبی خاطره شده است؛ او به مازوسیموه در اقدامی باورنکردنی، عملاً دهان خود را بسته است تا چیزی نخورد و وزن کم کند. این خانم برای یک جراحی باید وزن کم می‌کرده و رژیمش تا ۱۲ کیلو کاهش وزن خوب پیش رفته اما بعد از آن، کاهش وزن متوقف شده و اعصاب او هم حسابی به هم ریخته. او چاره را در این دید که دندان‌هایش را با سیم‌های ارتودنسی به هم بدوزد تا دیگر اصلاً نتواند غذا بخورد. فک‌های این خانم، با این کار به هم دوخته شد و او دیگر نمی‌توانست دهانش را باز کند تا غذا بخورد. این خانم، در تیک تاک درباره این اقدام عجیبش نوشته و با واکنش‌های منفی بسیار زیادی هم مواجه شده است. او برای ۷ هفته دهانش را بسته نگه داشت و موفق شد در این مدت، ۱۵ کیلوگرم وزن کم کند. او در این مدت، غذا‌های مایع مثل سوپ و ماست و اسموتی می‌خورده است. این خانم البته گفته است که بعد از باز کردن جفت و بست دهانش، در نخستین اقدام، یک هم‌رگ بزرگ خورده است.

### اول آخر

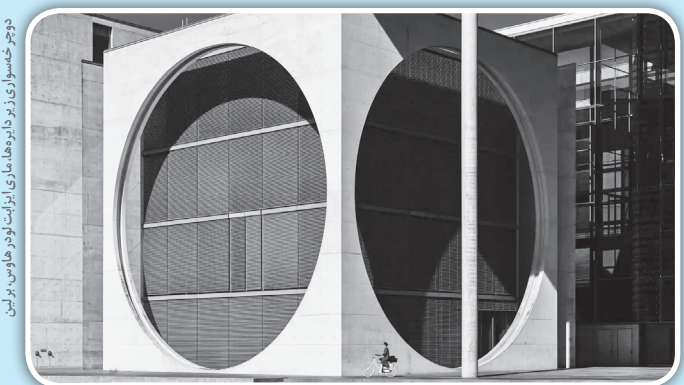
دانه چینی زیر پای شمس‌العماره ■ عکس: محمد عباس‌نژاد



#### زندگی پدیا

### مدرسه چابهار، در جمع بهترین‌های دنیا

جایزه عکاسی معماری جهان، نامزدهای نهایی خود را معرفی کرده که در میان آنها، عکسی از مدرسه معروف جدگال در سیدبار در چابهار هم دیده می‌شود. این مدرسه به‌خاطر ساخت و معماری متفاوت آن، شهرتی جهانی دارد و یکی از متفاوت‌ترین مدارس ایران است.



داخل برج، نیروگاه زئو ترمال در مار نیمو در ایتالیا



مدرسه ابتدایی جدگال در سیدبار در چابهار



آشیانه هنر که نمایش‌های هنری یانگ‌کینگ‌ینگ، دای در چین



خورشید ترابی / اثر: علی راسترو

غم و غصه وقتی سراغ آدم می‌یاد که جاق شده باشی یا بارون، بیش از حد طول کشیده باشه. در این مواقع آدم، غمگین می‌شه؛ همین و بس. ولی دلهره چیز وحشتناکیه، می‌ترسی و از وحشت عرق می‌کنی، ولی نمی‌دونی از چی می‌ترسی. فقط می‌دونی قراره اتفاق وحشتناکی بیفته، اما نمی‌دونی چه اتفاقی!

#### دیالوگ

### متری شیش‌ونیم

هر چی زور می‌زد آدم حسابی باشه نمی‌شد؛ دست خودش نبود.



سعید روستایی

### فیلم‌خانه

۶۰ سال از ساخت «موج، مرجان، خارا»  
توسط ابراهیم گلستان گذشت

### فقر و نفت در خاک خارک

حمیدرضا حمیدی، روزنامه‌نگار

در سیمای ایران، در حدود نیم قرن اخیر، هر سال فیلم‌هایی ساخته شدند و به روی پرده رفتند که تاریخ‌ساز شدند. آثاری ماندگار که یادگاری شدند برای نسل امروز و فردا. در ستون «فیلم‌خانه» تا پایان اسماال، هر هفته به یکی از این فیلم‌های مهم و مؤثر که سال ۱۴۰۱ از انتشارشان چنددهه (بر مبنای ضرب ۱۰) گذشته است، می‌پردازیم تا به این سبب هم یادی از آن اثر شود و هم نامی از خالق آن برده شود و هم بدانیم چرا جریان‌ساز بوده‌اند.

«و نفکشی برای بردن باری آمده بود، اما تا بیاید یک‌میلیون و ۲۰۰ هزار روز کار آدمی برد در کشاندن لوله و ساختن پایگاه و تا بگیرد سنگ‌ها گسست و کوه‌ها برپید هر روز نفکش‌ها به خارک می‌آیند برای بردن باری که حاصل صبر سالیان زمین است و هوش و کوشش آدمی، باری که به‌کار آدمی جان می‌دهد و بی‌کاری آدمی جان نمی‌گیرد و ملک مرور آید آرمیده و مرجان و ماهی سپرده به تقدیر را نصیبی نرسید جز این شیار کفا‌لود» عبارتی است که او برای پایان‌بندی فیلمش در نظر گرفت. جملهای که حتی فروغ فرخزاد انتشارش داد که نگاردر و گرنه جلوسوی فیلم را خواهند گرفت. اما او لجباز تر از این حرف‌ها بود چون اصلاً فیلم را ساخته بود تا همان یک عبارت را بگوید که به قول خودش، «تنها یک نفر این جمله را فهمید و او شاه بود.»

ابراهیم گلستان «موج، مرجان، خارا» را به سفارش شرکت نفت یا به تعبیر صحیح‌تر، کنسر سیموم نفتی ساخت. خودش چون قلم حیرت‌انگیزی داشت، گفتار متشش را باثری موجز و آهنگین نوشت و بعد کارگردانی کرد. درست است که نام آلب پندری هم در جایگاه سازنده آمده اما او بیشتر کارهای تکنیکال فیلم را کرده و به‌واقع باید گلستان را سازنده این اثر دانست و جالب است که هر چند در انشای ساخت فیلم، پای گلستان دچار شکستگی شده و پندری از کمپانی شل آمد تا زیر نظرش کار را پیش ببرد و انطور که نوشته‌اند او از خانه و بیمارستان تمام جزئیات را زیر نظر داشت و حتی بعد از نقاش، تمام نماهای هوایی و فیلمبرداری با هلی کوپتر این خود گلستان به انجام رساند.

شده را مستند ۴۰ دقیقه‌ای ۳۵ میلی‌متری که تصویربرداری‌اش حدود ۴ سال (دی ۱۳۳۶ تا آذر ۱۳۳۰) طول کشید و در سال ۱۳۴۱ نهایی شد و به اعتقاد منتقدان، مونتاژ بی‌نظیری دارد، اگر چه یک اثر سفارشی تمام‌عیار است اما نگاه مؤلف در سر تاسر آن به چشم می‌خورد و به نفت، نگاهی ظریف، عمیق و متفکرانه دارد. «موج، مرجان، خارا» اگر چه قرار است پیشرفت‌های نفتی را نشان دهد و به‌ویژه تبدیل‌شدن خارک به بندرگاهی برای بارگیری نفت خام را به تصویر کشد اما خالی از نگاه انتقادی نیست. یک نمونه‌اش آنجایی است که چند کارگر پس از کار طاقت‌فرسایشان، زیر سایه لوله‌های عظیم نفت دمی آساییده‌اند که هم می‌توان آن سایه را سببی برای سعادت ملت ناشی از نفت دانست و هم سایه‌ای از شیعی که ایران را گرفتار ساخته است و مسائل و مصایب آن. این مستند ابراهیم گلستان که امسال، ۶۰ سال از ساخت آن گذشت و امیر هوشنگ کاووسی درباره‌اش گفت که «موج، مرجان، خارا»ی شما، دوم، یک شعری قصیده حماسی است؛ حماسه‌ای از کار آدم‌ها و مبارزه‌شان با طبیعت سر سخت»، اگر چه مردم‌پو می‌رانادیده نمی‌گردد و نشان می‌دهد که آنان در فقر و فاقه از توسعه‌طرفی نخواهند بست، چنان که چنین نیز بود.

#### چهره

### اسیری که نویسنده شد



نویسندگان ضد جنگ معمولاً کهنه‌سربازهای برگشته از جنگ هستند. کورت ونه‌گات جوینیور-سرباز آمریکایی-پس از پیروزی متفقین در جنگ جهانی دوم، در دیایی-کسه می‌رفت آمریکا را به‌عنوان یگانه ابر قدرت بشناسد؛ از جنایت‌های آمریکادر مسیر پیروزی نوشت. ونه‌گات در جریان جنگ، اسیر آلمان‌ها شد و در شرایطی که در یک سلاح‌خانه (برای گوسفندان) در درسدن زندانی بود، متفقین به این شهر حمله کردند و ۱۲۴ هزار نفر را کشتند. ونه‌گات جان سالم به در برد و در بیرون کشیدن اجساد آدم‌ها از زیر آوار کمک کرد. حالا شهر درسدن به سلاح‌خانه بزرگی (برای آدم‌ها) تبدیل شده بود. سال‌ها پیش از مرگش، خبرنگاری از او درباره نقش هنرمند پر سیده بود؛ ونه‌گات جواب داد که بیشتر ترجیح می‌دهد درباره فایده هنرمند صحبت کند. او اسم تئوری خودش را «فکاری در معن زغال‌سنگ» گذاشته بود. او گفت در روزگاران قدیم که هنوز تکنولوژی پیشرفت چندانی نکرده بود، همیشه توی معدن زغال سنگ گازهای کشنده‌ای تولید می‌شد که می‌توانست موجب مرگ کارگران معدن شود اما فکاری با آن جته ظریف، کوچک و حساس، خیلی زودتر از آدم‌ها، خودش و صدایش خفه می‌شد و کارگران می‌فهمیدند که باید به سرعت از معدن خارج شوند. ونه‌گات می‌گوید هنرمند مثل این فکاری است. گازهای مسموم را خیلی زودتر از اینکه ملتی را به کشتن بدهند، تشخیص می‌دهد. هنرمند مثل یک سنسور قوی عمل می‌کند. بحران‌های اجتماعی، تناقض‌ها و تضادها را خیلی سریع تشخیص داده و واکنش نشان می‌دهد. ونه‌گات هیچ‌گاه در میان دولتمردان آمریکایی محبوبیتی نداشت ولی خیلی از مردم و دانشجویان همواره مشتاق خواندن آثار و شنیدن سخنرانی‌هایش بودند.